

(م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ تاریخ الاسلام: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق؛ دولة السلاجقه: علی محمد الصلابی، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۸ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش شعیب الزنؤوط، بیروت، الرسالة، ۱۴۰۶ق؛ طبقات الشافعیة الكبرى: تاج الدین السبکی (م. ۷۷۱ق.)، به کوشش الحلو و الطنجاجی، بیروت، دار الکتب العربی؛ الكامل فی تاریخ: ابن اثیر الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الکنی و الالقاب: شیخ عباس القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، تهران، مكتبة الصدر، ۱۳۶۸ق؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

اصغر ثنائی



## ابوطالب بن عبدالمطلب: عمو و

حامی پیامبر ﷺ که قبرستانی در مکه به نام اوست

### ◀ زندگینامه: عبدمناف بن عبدالمطلب

بن هاشم<sup>۱</sup> که برخی او را عمران نامیده‌اند<sup>۲</sup>، بیشتر با کنیه اش ابوطالب مشهور است.<sup>۳</sup> او ۸۰

و اندی سال پیش از هجرت زاده شد.<sup>۴</sup> پدرش عبدالمطلب بزرگ مکه و رئیس قریش بود.<sup>۵</sup> ابوطالب و عبدالله پدر رسول خدا ﷺ از یک مادر زاده شدند و مادر هر دو فاطمه بنت عمرو بن عائذ بن عمران از قبیله مخزوم بود.<sup>۶</sup>

بر پایه حدیثی از علی رضی الله عنه، ابوطالب در عین تهیدستی سرور قریش بود و پیش از او هرگز تهیدستی بر قریش ریاست نکرده بود.<sup>۷</sup> بزرگ منشی وی در میان قریش زبانزد بود. به دلیل درایت و نفوذ کلامش در میان قریش، تیره‌های مختلف هنگام ستیز او را داور قرار می‌دادند. از وی به عنوان بانی سنت سوگند در شهادت برای اولیای دم (قسامه) یاد کرده‌اند؛<sup>۸</sup> سنتی که در اسلام نیز ادامه یافت.<sup>۹</sup> او در سخاوت زبانزد بود و هنگام اطعام او کسی دیگر اطعام نمی‌کرد.<sup>۱۰</sup> وی شاعری توانا و برجسته بود.<sup>۱۱</sup> اشعارش که در مجموعه‌ای گردآوری شده، در سده‌های نخستین اسلامی مورد توجه و استناد شاعران و ادیبان معروف

۴. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۸۹.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۴۲.

۶. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۹۲؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۸۸.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.

۸. سنن النسائی، ج ۸، ص ۳-۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۱۹.

۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۱۹.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۸۸.

۱۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۱۹.

۱. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۱؛ الطبقات، خلیفه، ص ۳۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. عمدة الطالب، ص ۲۰.

۳. عمدة الطالب، ص ۲۰؛ الاصابه، ج ۷، ص ۱۹۶.

دار این مهم شد.<sup>۱۰</sup> ولی زبیر در حلف الفضول\* حضور داشته و محمد ص در این زمان حدود ۲۰ سال داشت. بر پایه این گزارش، در گذشت زبیر در کودکی رسول خدا ص درست به نظر نمی آید.<sup>۱۱</sup> از این رو، همان گونه که گزارش ها هم تأیید می کنند، از ابتدا عبدالمطلب سرپرستی محمد ص را بر دوش ابوطالب نهاد.<sup>۱۲</sup>

ابوطالب در مقام سرپرست محمد ص توجهی ویژه به وی داشت و بیش از فرزندانش به او محبت و نیکی می ورزید. بهترین غذا را برای وی فراهم می ساخت و بسترش را در کنار بستر خود قرار می داد و می کوشید همواره او را همراه خود داشته باشد.<sup>۱۳</sup> در سفرهای تجاری نیز او را با خود می برد. ملاقات بحیرای راهب با محمد ص و توصیه راهب به ابوطالب درباره وی، در یکی از همین سفرها گزارش شده است.<sup>۱۴</sup> ابوطالب همکاری تجاری با خدیجه\* را به محمد جوان توصیه کرد<sup>۱۵</sup> و سپس از سوی

بوده است؛<sup>۱</sup> به ویژه قصیده لامیه او که شهرت بسیار یافت.<sup>۲</sup>

ابوطالب چهار پسر و سه دختر داشت. پسران او طالب، عقیل، جعفر و علی ص هر یک ۱۰ سال با هم اختلاف سن داشتند.<sup>۳</sup> برخی گفته اند که عقیل چهار سال از جعفر و او ۴ سال از علی ص بزرگ تر بود.<sup>۴</sup> دخترانش ام هانی (فاخته<sup>۵</sup>)، جمّانه، و ریطه (ام طالب<sup>۶</sup>) نام داشتند. همه فرزندان ابوطالب از فاطمه بنت اسد\* بن هاشم بودند.<sup>۷</sup> آورده اند که از زنی دیگر بنام علّه نیز پسری به نام طلیق داشت.<sup>۸</sup>

#### ◀ ابوطالب و پیامبر ص: ابوطالب پس از

مرگ پدرش عبدالمطلب سرپرستی محمد ص را هشت سال پیش نداشت، به توصیه پدرش عهده دار شد.<sup>۹</sup> برخی گفته اند: عبدالمطلب سرپرستی محمد ص را به فرزند بزرگش زبیر و انهداد و پس از درگذشت او ابوطالب عهده

۱. الکتاب، ج ۳، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ البیان و التبیین، ج ۳، ص ۳۰.

۲. ایمان ابی طالب، مفید، ص ۱۸.

۳. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ ج ۸، ص ۵۱؛ مقاتل الطالبیین، ص ۳.

۴. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۶.

۵. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ج ۸، ص ۱۵۱.

۶. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ج ۸، ص ۴۸.

۷. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ ج ۸، ص ۴۸؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.

۸. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ج ۸، ص ۴۸.

۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۸؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۲۲.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۳.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۳.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳.

۱۳. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۱۹.

۱۴. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۵. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶.

وی به خواستگاری خدیجه رفت.<sup>۱</sup> برخی گفته‌اند که خطبه عقد را نیز او خواند.<sup>۲</sup> پس از این ازدواج، توانایی مالی محمد ﷺ بیشتر شد و به پیشنهاد ایشان، در ایام تنگدستی ابوطالب، عمویش عباس سرپرستی جعفر را عهده‌دار گشت و خود ایشان نیز علی ﷺ کوچک‌ترین فرزند ابوطالب را به خانه برد و به تربیت او همت گماشت.<sup>۳</sup>

#### ◀ ابوطالب و دعوت اسلام: بر پایه

گزارش‌های تاریخی، ابوطالب نخستین بار هنگامی از دعوت برادرزاده‌اش محمد ﷺ آگاه شد که او را همراه فرزندش علی ﷺ در حال نماز دید و از این مراسم پرسید. گزارش شده است که پیامبر ﷺ پس از تبیین اسلام برای ابوطالب، از او برای گرویدن به دین تازه دعوت کرد. وی پاسخ مثبت نداد؛ ولی نکوشید محمد ﷺ را از ادامه دعوتش بازدارد. بر پایه برخی گزارش‌ها، علی ﷺ برای گرویدن به اسلام از پدرش بیم داشت؛ ولی ابوطالب او را از دین جدید باز نداشت و به پسرش گفت: از دین پسرعمویت رویگردان

نباش؛ او تو را جز به خیر نمی‌خواند.<sup>۴</sup> گویا فشار قریش بر ابوطالب هنگامی افزایش یافت که پس از سه سال فراخوان مخفیانه به تدریج دعوت اسلام آشکار شد.<sup>۵</sup> او بزرگ بنی‌هاشم بود و محمد ﷺ نیز از این بطن قریش برخاسته بود و اکنون آنچه را نیاکان آنان می‌پرستیدند، نفی می‌کرد. از این رو، ابوطالب دو مسئولیت مهم را عهده‌دار بود: هم باید جایگاه اجتماعی بنی‌هاشم را در میان قریش محافظت می‌کرد و هم موجبات همدلی بنی‌هاشم را فراهم می‌آورد. پیگیری هوشمندانه این دو هدف، به دعوت محمد ﷺ بسیار کمک می‌کرد و سران قریش را در حالت انفعال قرار می‌داد. از این رو، قریش می‌کوشید بدون رویارویی مستقیم با مجموعه بنی‌هاشم، با حمایت عناصر مخالف با رسالت جدید، در صدد تضعیف جایگاه ابوطالب برآید. بدین سبب در یوم الانذار که دعوت شدگان بیشتر از بنی‌هاشم بودند، برخی از اعضای برجسته‌اشمانی مانند ابولهب وی را شماتت کردند. آن‌گاه که در همین جلسه رسول خدا ﷺ علی ﷺ را برادر، وصی و خلیفه خود خواند، گروهی با تمسخر به ابوطالب گفتند: به تو فرمان داد که از فرزندت

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ الروض الانف، ج ۲، ص ۲۳۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۰.

۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷-۵۸؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۶۲.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸؛ دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۶۱.

۵. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸.

۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۶۱.

مؤاخذه<sup>۴</sup> و بر پایه گزارشی، به قتل تهدید کرد.<sup>۵</sup>

رویکرد ابوطالب در برابر سران مشرک قریش، با حمایت کامل بنی‌هاشم جز ابولهب و نیز بنی‌مطلب\* (برادر هاشم) از پیامبر ﷺ همراه شد. وی آنان را به سبب حمایت از رسول خدا ﷺ ستود. سروده‌هایی از او در حمایت از پیامبر ﷺ روایت شده است.<sup>۶</sup> او برادرش حمزه را به اسلام تشویق و پس از گرویدنش به اسلام تمجیدش کرد.<sup>۷</sup> در سال پنجم بعثت، همو نجاشی پادشاه حبشه را به سبب پذیرش مسلمانان ستود<sup>۸</sup> و در سال هفتم آن‌گاه که از تصمیم قریش برای قتل محمد ﷺ آگاه شد، شعری بدین مضمون سرود: به خدا سوگند! قریش نمی‌تواند به تو دست یابد، مگر این که من در خاک خفته باشم.<sup>۹</sup>

پس از این رویکرد، سران قریش در پی بستن پیمانی برآمدند تا از هرگونه رابطه اجتماعی و اقتصادی با بنی‌هاشم و بنی‌مطلب و عموم مسلمانان پرهیز کنند. از این رو، از

اطاعت کنی!

با آشکارتر شدن دعوت محمد ﷺ سختگیری‌ها بر ابوطالب گسترش یافت. گزارش‌های تاریخی گواهند که سه بار بزرگان قریش نزد او آمدند و از وی خواستند تا مانع دعوت محمد ﷺ شود. مطالعه و بررسی این سه مرحله به روشنی نحوه رفتار ابوطالب را با قریش و محمد ﷺ نشان می‌دهد. در دیدار نخست، او با موضع نگرفتن در برابر بزرگان قریش، در گفتاری مسالمت‌جویانه کوشید آنان را مجاب سازد. در دیدار دوم، قریش خواهان تسلیم کردن محمد ﷺ بودند و او که بیشتر زیر فشار قرار گرفته بود، کوشید پیامبر ﷺ را از خطرهای دعوتش آگاه کند؛ اما آن‌گاه که با اصرار او روبه‌رو شد، گفت: هر چه می‌پسندی، انجام ده. به خدا سوگند! تو را تسلیم نخواهم کرد.<sup>۱۰</sup>

بزرگان مشرکان قریش به ابوطالب پیشنهاد کردند تا محمد ﷺ را با عماره بن ولید مخزومی که جوانی زیبا و باذکاو بود، مبادله کند.<sup>۱۱</sup> وی در برابر این پیشنهاد، سخت برآشفته و مطعم بن عدی را که کاملاً از این پیشنهاد حمایت می‌کرد، با سرودن شعری

۴. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ نک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۷.

۶. نک: السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۷. ایمان ابی طالب، مفید، ص ۳۴؛ ایمان ابی طالب، موسوی، ص ۳۱۳.

۸. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳.

۲. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۵-۶۷.

۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۷.

ابتدای سال هفتم بعثت، اینان به اجبار در منطقه‌ای که بعدها «شعب ابی طالب»<sup>\*</sup> خوانده شد، در حال تحریم اقتصادی و اجتماعی مسکن گزیدند.<sup>۱</sup> ابوطالب از کسانی بود که در شعب دارایی خود را انفاق کردند.<sup>۲</sup>

پس از آگاهی و حیانی پیامبر ﷺ از معدوم شدن آن عهدنامه، ابوطالب این خبر را به مشرکان قریش رساند و وعده داد که اگر محمد ﷺ راست نگفته باشد، او را به قریش تحویل دهد. قریش پذیرفت و با مشاهده صحت این خبر غیبی، عهدنامه نقض شد و بنی‌هاشم و مسلمانان در سال دهم بعثت از محاصره بیرون رفتند.<sup>۳</sup> اعتماد به نفس ابوطالب در بیان این سخن میان مشرکان قریش، نشان دهنده اعتقاد راسخ وی به گفته‌های پیامبر ﷺ است. او در شعری پس از این ماجرا رسول خدا ﷺ را ستوده است.<sup>۴</sup>

ابوطالب در ماه ذی قعدة یا نیمه ماه شوال سال دهم بعثت، در ۸۶ سالگی و بر پایه گزارشی، ۹۰ سالگی وفات یافت<sup>۵</sup> و مانند پدرش عبدالمطلب<sup>۶</sup> در منطقه حَجون مکه به

خاک سپرده شد.<sup>۷</sup> (تصویر شماره ۸) پیامبر آن سال را که با رحلت ابوطالب و همسرش خدیجه همراه بود، «عام الحزن» نامید.<sup>۸</sup> بدین ترتیب، پیامبر ﷺ بزرگ‌ترین پشتیبان خود را از دست داد. با رحلت او فشارها بر مسلمانان سخت افزایش یافت.<sup>۹</sup> امروزه قبرستانی که وی را در آن به خاک سپردند. نزد ایرانیان به «قبرستان ابوطالب»<sup>\*</sup> مشهور است. (تصویر شماره ۹)

◀ **ایمان ابوطالب:** دانشوران شیعه و گروهی از نام‌آوران اهل سنت با توجه به روایت‌های اهل بیت ﷺ<sup>۱۰</sup> و نیز قراین و شواهدی، از ایمان ابوطالب به اسلام سخن گفته‌اند<sup>۱۱</sup>؛ همچون: ادای شهادتین به صورت آهسته، غسل وی به فرمان پیامبر ﷺ همراه وعده استغفار، باقی بودن همسر مسلمانش فاطمه بنت اسد در پیوند همسری او، تقیه وی و مضمون برخی سروده‌هایش. اما منکران ایمان ابوطالب، بیشتر از ادعای ادا نکردن شهادتین و نزول برخی از آیات در شأن وی که از کفر او حکایت دارند، سخن به

۱. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۱.

۳. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱-۳۲.

۴. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۵. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۶. الطبقات، ابن سعد، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۸۹.

۸. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۴۵.

۹. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۲۸۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۸-۶۹.

دلائل النبوه، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۱۰. نك: الكافی، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۴۹.

۱۱. نك: ایمان ابی طالب، مفید؛ ایمان ابی طالب، موسوی،

ص ۶۴-۱۴۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۸-۸۳.

پنداشته‌اند.<sup>۶</sup> افزون بر این، سوره انعام یکجا بر پیامبر ﷺ نازل شده و آیات آن شأن نزول جداگانه ندارند.<sup>۷</sup>

در باره شأن نزول آیه ۱۱۳ توبه/۹: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾؛ «برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست که برای مشرکان، پس از آن که جهنمی بودن آنان روشن شد، آمرزش بخواهند؛ هر چند از خویشاوندان باشند.» نزد مفسران سه دسته گزارشی یافت می‌شود. پاره‌ای نزول آن را درباره مسلمانانی می‌دانند که برای پدران مشرک خود استغفار می‌کردند و دلیل آن را پیروی از استغفار ابراهیم عليه السلام برای پدرش می‌دانستند. برخی نزول آن را درباره زیارت قبر آمنه\* مادر پیامبر ﷺ از جانب ایشان دانسته‌اند که بدین ترتیب، از این کار بازداشته شد. دسته‌ای از مفسران گفته‌اند که این آیه درباره ابوطالب نازل شده است و بدین سان، پیامبر ﷺ هنگام احتضار ابوطالب، از استغفار برای وی نهی شد. پیداست که این شأن نزول درست نیست؛ چرا که این سوره از آخرین سوره‌های نازل شده

میان می‌آورند.<sup>۱</sup>

برخی مفسران شأن نزول چند آیه را به ابوطالب نسبت داده‌اند؛ از جمله آیه ۲۶ انعام/۶: ﴿وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾. مفسران با توجه به مرجع ضمیر در دو کلمه ﴿عَنْهُ﴾ برای آن چند شأن نزول یاد کرده‌اند. برخی مرجع هر دو ضمیر را قرآن می‌دانند.<sup>۲</sup> طبق این گزارش، مشرکان مردم را از شنیدن قرآن نهی می‌کردند و خود نیز از شنیدن آن دوری می‌جستند. گزارش‌های دیگر مرجع هر دو ضمیر را پیامبر ﷺ می‌دانند؛ یعنی اینان مردم را از پیروی رسول خدا ﷺ بازداشته، خود نیز چنین می‌کردند.<sup>۳</sup> دسته‌ای دیگر از روایت‌ها، دو ضمیر را به پیامبر ﷺ بازمی‌گردانند؛ یعنی آنان از آزار پیامبر ﷺ نهی می‌کردند، در حالی که خود ایمان نمی‌آوردند.<sup>۴</sup> مفسران اهل سنت در مقام گزینش صحت این سه دسته روایت، گزارشی را برگزیده‌اند که مرجع ضمیر را مشرکان قریش می‌دانند. برخی این را سخن جمهور مفسران دانسته<sup>۵</sup> و انتساب این شأن نزول را به ابوطالب ضعیف

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۵-۶۶.

۲. جامع البیان، ج ۷، ص ۱۱۰؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۹؛ روح البیان، ج ۳، ص ۲۰.

۳. جامع البیان، ج ۷، ص ۱۱۰.

۴. تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۱۴۲.

۵. البحر المحیط، ج ۴، ص ۴۷۲.

۶. نک: جامع البیان، ج ۷، ص ۱۱۰؛ البحر المحیط، ج ۴، ص ۴۷۲.

۷. تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۱۳۱؛ زاد المسیر، ج ۲، ص ۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۳۸۲.

بر پیامبر ﷺ در مدینه بود<sup>۱</sup> و ابوطالب پیش از هجرت درگذشت!

طبری با دو گزارش از ابوهریره و سعید بن مسیب نقل می‌کند که آیه ۵۶ قصص/۲۸: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛ «در حقیقت تو هر کس را که دوست داری، نمی‌توانی راهنمایی کنی؛ خداست که هر که را بخواهد، راهنمایی می‌کند و او به راه‌یافتگان داناتر است.» در شأن ابوطالب نازل شد. هنگامی که پیامبر ﷺ از او خواست تا شهادتین بگوید، سخن نهایی او این بود که بر دین عبدالمطلب خواهد ماند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: تا هنگامی که از جانب خدا نهی نشده‌ام، برای تو استغفار خواهم کرد. آن‌گاه آن آیه نازل شد.<sup>۲</sup> برخی گفته‌اند که به اجماع مفسران، این آیه درباره ابوطالب نازل شده است. مسلم و بخاری نیز در صحیحین این روایت را نقل کرده‌اند. برخی مفسران افزون بر این شأن نزول گفته‌اند که این آیه درباره فرستاده قیصر روم و علاقه پیامبر ﷺ به مسلمان شدن او نازل شده است.<sup>۳</sup> برخی شأن نزول این آیه را پس از هجرت و در یکی از

غزوه‌های رسول خدا ﷺ دانسته‌اند.<sup>۴</sup> بعضی از ظاهر این آیه نتیجه گرفته‌اند که ابوطالب کافر درگذشت.<sup>۵</sup> ابوالفتح رازی این دیدگاه را نقد کرده و آورده است که نزول این آیه درباره ابوطالب نه تنها بر کفر او دلالت ندارد، بلکه مؤید ایمان اوست؛ چرا که هدایت کردنش را نفی نمی‌کند، بلکه این گونه هدایت را ویژه خدا می‌داند. رازی با توجه به کلمه «أَحْبَبْتَ» از محبت پیامبر ﷺ به ابوطالب سخن گفته و با ذکر آیات ۲۲ مجادله/۵۸ و ۲۳ توبه/۹ تصریح می‌کند که پیامبر ﷺ به کافری که بر کفر خود اصرار دارد، محبت نمی‌ورزد.<sup>۶</sup> نیز به اذعان فخر رازی، ظاهر این آیه بر کفر ابوطالب دلالت ندارد.<sup>۷</sup> بنا بر این، ادعای کفر او به هیچ روی درست نیست و قراین تاریخی و نیز اختلاف شأن نزول آیات مربوط، گویای خلاف آن است.<sup>۸</sup>

گویا مسئله ایمان ابوطالب از منظر تاریخ سیاسی، پیوندی روشن با جایگاه سیاسی فرزندش علی علیه السلام در اسلام و رخدادهای پس از خلافتش در دو دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس دارد. این که ابوسفیان و بزرگان بنی‌امیه در

۱. زاد المسیر، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۵۷-

۱۵۸؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۲. جامع البیان، ج ۲، ص ۵۸-۵۹.

۳. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۹، ص ۲۹۹۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۴،

ص ۲۹۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۴. ایمان ابی طالب، موسوی، ص ۱۵۴-۱۵۶.

۵. نک: التسهیل، ج ۲، ص ۱۱۶.

۶. روض الجنان، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

۷. التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۵.

۸. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۵-۸۳.

محمد بن محمد بن نعمان (م. ۴۱۳ق.). از نوشته‌های این شش تن، کتاب *ایمان ابی طالب* شیخ مفید در دسترس است. در سده‌های بعد نیز نگاشته‌هایی درباره ایمان ابوطالب سامان یافت؛ همچون: *منی الطالب فی ایمان ابی طالب* تألیف محمد بن احمد بن حسین خزاعی نیشابوری (م. سده پنجم)، *الحجّة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب* نوشته فخار بن معد الموسوی (م. ۶۰۳ق.)<sup>۴</sup> و کتاب *ایمان ابی طالب* تألیف احمد بن موسی بن طاووس (م. ۶۷۳ق.).<sup>۵</sup> از سده دهم به بعد، نگاشته‌ها درباره ایمان ابوطالب در میان شیعه و سنی افزایش یافته است. از آن جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: *أسنی المطالب فی نجاه ابی طالب* نوشته احمد بن زینی دحلان الشافعی، *منیہ الراغب فی ایمان ابی طالب* نوشته محمد رضا طبسی، *ابوطالب مؤمن قریش* نوشته عبدالله الخنیزی. مقاله‌ای نیز در زمینه کتابشناسی ابوطالب انتشار یافته است.<sup>۶</sup>

◀ **ابوطالب و حرم مکی:** میزبانی و پذیرایی از حاجیان (سقایت\* و رفادت\*) از مناصب عمده مکه بود که عاملی مؤثر در نفوذ

۴. ایمان ابی طالب، مفید، ص ۱۲؛ الفهرست، ص ۱۰۲.  
 ۵. نک: اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۳.  
 ۶. نیز نک: شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۸۳؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۹۰-۱۹۱.  
 ۷. آینده پژوهش، ش ۲۱، ص ۸۹-۹۶، «کتابشناسی حضرت ابوطالب».

روز فتح مکه ایمان آورده بودند و نیز عباس، نیای عباسیان، بسیار دیر ایمان آورد، در جامعه‌ای که فخرفروشی به نیاکان جایگاهی مهم داشت، نقطه ضعفی در برابر علی (علیه السلام) و آل ابی طالب به شمار می‌رفت؛ به ویژه برای کسانی که دعوی خلافت و حکمرانی مسلمانان را داشتند. از این رو، در این دوره که هنگامه تدوین و نگارش حدیث در عرصه‌های گوناگون تاریخی و تفسیری است، فضای مناسبی برای تردید در ایمان ابوطالب و حتی نفی ایمان او پدید آمد.<sup>۱</sup>

دانشوران شیعه توجهی ویژه به موضوع ایمان ابوطالب داشته‌اند. نخستین گردآورندگان جوامع حدیثی شیعه مانند کلینی در کاف، با نقل گزارش‌هایی از خدمات ابوطالب به اسلام<sup>۲</sup> سخن گفته‌اند. نجاشی تا اواسط سده پنجم ق. حدود ۱۰ نگاشته را در میان دانشوران شیعه درباره ابوطالب ثبت کرده است.<sup>۳</sup> مهم‌ترین مؤلفان در این زمینه از این قرارند: احمد بن محمد بن عمار کوفی (م. ۳۴۶ق.)، ابن طرخان جرجرائی، سهل بن احمد دیاجی (م. ۳۸۰ق.)، علی بن بلال مهلبی ازدی، حسین بن عییدالله (ابوعبدالله غضائری) (م. ۴۱۱ق.) و شیخ مفید

۱. نک: شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۵-۸۲.  
 ۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۸-۴۵۰.  
 ۳. نک: رجال نجاشی، ص ۵۸، ۸۷، ۹۵، ۱۷۷، ۱۸۶، ۲۶۵، ۳۹۹.



اجتماعی و سیاسی قریش در حجاز شمرده می‌شد. قبایل و افراد متولی این امر، در میان قریش از جایگاهی والا برخوردار بودند. از این روی، خاندان‌های قریش برای تصدی آن، به رقابت برمی‌خاستند. نمونه تاریخی آن، رقابت و قرعه‌کشی فرزندان عبدمناف برای عهده‌دار شدن این مقام است که در آن، قرعه به نام هاشم بن عبدمناف افتاد.<sup>۱</sup> پس از هاشم، عبدالمطلب میزبانی حاجیان را بر عهده داشت تا آن‌گاه که وی هنگام مرگش در سال هشتم عام الفیل مقام سقایت (آبرسانی به حاجیان) مکه را به ابوطالب و انهاد.<sup>۲</sup> اگر چه همه قریش با توجه به جایگاه خود، در تأمین مالی میزبانی از حاجیان و زائران خانه خدا سهم می‌شدند<sup>۳</sup>، مدیریت و برنامه‌ریزی وظیفه متولی این امر بود.

ابوطالب پس از مرگ برادر بزرگ‌ترش زبیر و آن‌گاه که وضع مالی مناسبی نداشت، سه سال عهده‌دار رفادت و سقایت شد. در سال نخست برای پذیرایی از زائران ۱۰/۰۰۰ درهم از برادرش عباس وام گرفت و انفاق کرد. در سال دوم ۱۵۰۰۰ درهم وام ستاند. اما پس از سال سوم توان اقتصادی ادامه این کار را نداشت. از این رو، آن را به برادرش عباس

وانهاد<sup>۴</sup> و او تا زمان مرگ عهده‌دار آن بود. با وجود این، نفوذ ابوطالب در میان قریش ادامه یافت و او بزرگ بنی‌هاشم و مورد احترام قریش بود.<sup>۵</sup> نیز وی عهده‌دار تعمیر کعبه پس از سیل شد. او دستور داد تا از مال پاکیزه در بازسازی بنای کعبه استفاده کنند. در این هنگام، رسول خدا ۲۵ سال داشت و ستیز بر سر نصب حجرالاسود در همین ماجرا رخ داد.<sup>۶</sup>

#### ◀ منابع

آینه پژوهش (مجله): قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ ایمان ابی‌طالب: المفید (م. ۴۱۳ق.)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ ایمان ابی‌طالب: فخار بن معد الموسوی (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش بحر العلوم، قم، سیدالشهداء، ۱۴۱۰ق؛ البحر المحيط: ابوحنبل الاندلسی (م. ۷۵۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲ق؛ البیان و التبیان: الجاحظ (م. ۲۵۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۶۴.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۶۴.

۵. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹.

هشام (م. ۸-۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ الطبقات: خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ عمده الطالب: ابن عنیه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش محمد حسن، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ الفهرست: منتجب الدین بن بابویه (م. ۵۸۵ق.)، الارموی، قم، مکتبه النجفی، ۱۳۶۶ش؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکتاب: سیبویه (م. ۱۸۰ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الجیل؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ مقاتل الطالبیین: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش مظفر، قم، دار الکتب، ۱۳۸۵ق.

سید علی رضا واسعی



## ابوطالب حُفَيْفِي ابهری: ملقب به امام

الحرمین، مدفون در قبرستان ابوطالب

ابوطالب عبدالمحسن (فرامرزی) بن ابی عمید حُفَيْفِي (رجب ۵۵۶ - صفر ۶۲۴ق.)<sup>۲</sup> از فقیهان بزرگ شافعی و محدثان مورد وثوق و مشایخ

۱. تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ المختصر المحتاج، ج ۱۵، ص ۲۸۲.  
 ۲. تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۲۷۷؛ الانساب، ج ۲، ص ۳۸۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۲۰۱.

الفکر، ۱۴۰۹ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التسهیل لعلوم التنزیل: محمد بن جزی الغرناطی (م. ۷۴۱ق.)، به کوشش خالدی، بیروت، دار الارقم، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم): ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به کوشش اسعد محمد، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۱۹ق؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ رجال النجاشی: النجاشی (م. ۴۵۰ق.)، به کوشش شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ روح البیان: بروسوی (م. ۱۱۳۷ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الروض الانف: السهیلی (م. ۵۸۱ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ زاد المسیر: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق؛ سنن النسائی: النسائی (م. ۳۰۳ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۳۴۸ق؛ السیره النبویه: ابن